عکس: مهدی تاکی، شرق

گفت‌وگو با علیرضا رضاداد درباره چگونگی استانداردسازی برگزاری جشنواره فیلم فجر

# عدم مشارکت همه سلایق به اعتبار جشنواره لطمه می‌زند

- تصویر سینمای ایران در جهان، انسانی است
- سینمای ایران می‌تواند با دوسوم فیلم‌های دنیا رقابت کند

**بهناز شیرپانی:** مدتی است از جشنواره چهل‌ویکم فیلم فجر فاصله گرفته‌ایم؛ جشنواره‌ای که با حواشی بسیاری همراه بود و البته پس از گذشت چند سالی از برگزاری مستقل بخش بین‌الملل، امسال بار دیگر شاهد تلفیق دو بخش ملی و بین‌الملل بودیم. با علیرضا رضاداد که سابقه شش دوره دبیری جشنواره فیلم فجر را در کارنامه دارد و یکی از رکورددارانِ دبیری این رویداد هنری محسوب می‌شود، به آسیب‌شناسی برگزاری جشنواره در ۴۱ سال برگزاری پرداختیم و البته درمورد شرایط این روزهای سینمای ایران صحبت کردیم. رضاداد معتقد است: «باید سعی کنیم سینما دریک حیات طبیعی قرار بگیرد و جشنواره فیلم فجر انعکاس آن حیات طبیعی باشد و البته لازمه این حیات طبیعی داشتن برنامه برای سینماست که از دل واقعیت‌های موجود برآمده باشد؛ ولی مسیر رو به جلویی برای سینمای کشور ترسیم کند. آن برنامه اگر وجود داشته باشد، به ما می‌گوید که چه انتظاراتی قابل تحقق است».

**● شما از جمله افرادی هستید که تجربه برگزاری شش دوره جشنواره فیلم فجر را در کارنامه دارید و از اولین نظرپرانی از رکورددارانِ برگزاری این رویداد هنری محسوب می‌شوید. به نسبت بحث را از اینجا آغاز کنیم که جرا بعد از گذشت ۴۱ دوره از برگزاری جشنواره فیلم فجر، هنوز به پروتکل مشخصی درباره چگونگی برگزاری این رویداد هنری دسترسیدیم؟**

قبل از پاسخ به این پرسش اجازه بدهید عرض کنم که لازمه هر پاسخ به بحث جشنواره این است که ابتدا تصوری از خود جشنواره فجر داشته باشیم.

جشنواره فیلم فجر، دارای وجوه گوناگونی است؛ وجهی که برخی از ابتدا با جشنواره ایجاد شدند و برخی در طول تاریخ چهل‌وچند جشنواره پس از انقلاب جزء؛ ویژگی‌های این جشنواره به حساب آمدند و امروز جشنواره با همه آن وجوه تعریف می‌شود. این ویژگی‌ها برخی ذاتی و برخی عارضی هستند. جشنواره فیلم فجر، مثل غالب جشنواره‌ها فقط مشارکت و انتخاب و رقابت نیست و فیلم‌ها در داوری و رقابت جایزه نیستند. محور اصلی جشنواره فیلم‌های تولیدشده یک سال سینمای ایران هستند که وزن و ارزشی دارند و در یک نقطه سینمایی وجه دیگر آن خود سینماست که خودش روابط و ابعاد گوناگونی دارد که جزء تولیدات جشنواره فیلم فجر است و به آنها اشاره می‌کنم و شاید مسئولیت اصلی جشنواره فیلم فجر، حفاظت توامان از این دو بخش است؛ اما به مرور زمان برگزاری جشنواره هم وجه مهمی شده است و هرچه جنبه‌های میدانی و نشاط‌آفرینی جشن‌های برگزاری انقلاب در برخی موارد کمرنگ شده است، جشنواره به نشانه مهمی از جشن‌های پیروزی انقلاب تبدیل شده. ضمنا بیانگر آن است که سینما و رشد و پیشرفت‌های سینما از دستاوردهای مهم کشور پس از انقلاب است و وجوه همه را به خودش معطوف می‌کند؛ بنابراین ما درحال‌حاضر با پدیده‌ای چندوجهی روبه‌رو هستیم که به دلیل همین آن، از آن انتظارات گوناگونی هم وجود دارد. انتظاراتی که اغلب در طرف جشنواره هم نمی‌گنجد. سینما در کشورما از یک سو بسیار مهم است و از سوی دیگر به اندازه اهمیتی که به آن توجه نمی‌شود و از سوی دیگر به دلیل اهمیتش حتی بیش از اهمیتش در آن انتظار وجود دارد و این وضعیت کاه مسئله سینما را پیچیدتر هم می‌کند.

وقتی هم از سینما حرف می‌زنیم؛ بعضی هم مخاطب و هم جامعه تولیدکنندگان فیلم هستند. حتی کسانی که ممکن است اصلا در ساخت فیلمی مشارکت نداشته باشند یا افرادی که در حاشیه سینما فعالیت می‌کنند، نیز اهمیت پیدا می‌کنند. خود سال‌های سینما که اهمیت زیادی در صنعت سینما دارند، هم مورد توجه قرار می‌گیرند. روابط بین مدیریت فرهنگی، دست‌اندرکاران و فعالان سینما اهمیت پیدا می‌کند و عناصر هم دیگری که در کنار هم مفهوم سینما را تشکیل می‌دهند، هم دارای اهمیت هستند و مهم‌اند. جشنواره فجر یک کمتمان بین همه این عناصر که تشکیل‌دهنده سینما هستند، ایجاد می‌کند و بنیادی می‌شود به جشن‌های پیروزی انقلاب و مهم‌ترین نشانه اجتماعی می‌شود. به اینجا که می‌رسیم، می‌بینیم مثلا حضور همه هنرمندان و حضور مردم و حتی نمایش‌های داستان‌آموزی در جشنواره فیلم فجر اهمیت پیدا می‌کند و لذتی که پچه‌ها از حضور در سینما، زمان جشنواره فیلم فجر احساس می‌کنند، معنا و مفهوم خاصی پیدا می‌کند. ما مثلا نمایش فیلم‌ها در استان‌ها از همین جنس است. شاید اگر در چارچوب برگزاری جشنواره به مفهوم ضرب رقابت فیلم‌ها نگاه کنیم، خیلی از اتفاقاتی که در جشنواره می‌افتد، همان کسرِ کنترلی نمایش‌ها یا برخی اتفاقات دیگر توجیهی نداشته باشد؛ اما با رویکرد اهمیت رابطه طبیعی سینما در جشنواره می‌شود اشاره کرد. موردی که اشاره کردید، هم شامل می‌شود و گاه هم برای افراد ضعیف فقط به دلیل مضمون‌شان در جشنواره حضور داشته و شان جشنواره را مخدوش می‌کنند و غالبا هم برای آنها اتفاقی در داوری و جایزه نمی‌افتد و اگر جایزه‌ای بگیرند، هم به نفع فیلم نمی‌شود. از آن سو به دلیل محدودیت اجباری تعداد فیلم‌ها، فیلم‌هایی با استانداردهای بالاتر حتم‌ا بسیار کنار می‌کنند. تبدیل جشنواره فیلم فجر به جشنواره فیلم‌های موضوعی کار سخت و پیچیده‌ای نیست. برخی جرائی و کروه‌های سیاسی هم گاهی از جشنواره فجر به دلیل هجرمانی‌اش با دهه فجر چنین مطالباتی داشته و دارند. در حاشیه فیلم‌ها سینما همه‌سالیه حدود ۱۰ درصد از فیلم‌ها دارای این‌گونه موضوعات هستند که پرواله ساخت می‌گیرند و تولید می‌شوند. که امر شایسته و لازمی هم هست. کافی است برای پاسخ‌گویی به آن انتظارات بیرون سینما، یک سال ما این سهم را دو، سه برابر شارز کنیم و مقداری بیش هم از خارج از سینما شارز کنیم و با خطّ موضوعات و فیلم‌های دیگر، جشنواره فجر را خودخوبه‌خود به جشنواره موضوعی تبدیل می‌کنیم و در نتیجه جشنواره‌های موضوعی‌مان مثل داغ مقدس و مقاومت را هم از موضوعیت می‌اندازیم. درحالی‌که جشنواره فیلم فجر یک جشنواره ملی است، نه یک جشنواره موضوعی و یکی از ویژگی‌های جشنواره فجر همین تنوع موضوعی و تولیدکنندگان با نگاه‌های مختلف در چارچوب قواعد سینمای کشور است که اهمیت پیدا می‌کند. اتفاقا غلط این‌گونه سیاست‌ها و این نوع انتخاب‌ها کروه‌های مطالبه‌گر را هم به دلیل ضعف فیلم‌ها و نیز نگاه سازندگان فیلم‌ها، راضی نمی‌کند و به برخی از این وجوه برای خوشامد این و آن زیاده‌روی نشود؛ چراکه جشنواره به لطف دچار می‌شود و به دلیل همین، در مشارکت افشار گوناگون و از خود دانستن جشنواره تأثیر منفی بگذارد.

اهمیت سازمان جشنواره و به‌خصوص دبیر و اهلیت و تجربه مورد نیاز و لازم در همین است که بشود به این وجوه گوناگون به اندازه‌ای که باید، توجه شود. وقتی جشنواره فیلم فجر چنین ابعاد گسترده‌ای پیدا می‌کند، نیاز است به نوع برخورای آن هم دقت و مهم و مدام دریاره آن اسپ‌شناسی شود تا از تجربه مثبت و منفی برای دوره‌های بعد استفاده شود. برای جمع‌بندی و اراله یک تحلیل درست باید سعی کنیم که سینما در یک حیات طبیعی قرار بگیرد و جشنواره فیلم فجر انعکاس آن حیات طبیعی باشد و البته لازمه این حیات طبیعی داشتن برنامه برای سینماست که از دل واقعیت‌های موجود برآمده باشد؛ ولی مسیر رو به جلویی برای سینمای کشور ترسیم کند. آن برنامه اگر وجود داشته باشد، به ما می‌گوید که چه انتظاراتی تحقق‌یافتنی است. اینها بخشی از دلایلی است که جشنواره فجر هنوز نتوانسته به آن پروتکل مدنظر به تعبیر شما دست پیدا کند و از این رهگذر است که جشنواره نتوانسته به آن پروتکل مدنظر شما دست پیدا کند.

**● اشاره شما به حیات طبیعی سینما نکته مهمی است که به نظر برخی از کارشناسان سینما از آن فاصله گرفته‌ایم.**

از جشنواره فیلم کودک مثال می‌زنم. در بعضی از دوره‌ها، وقتی مدیریت سینمای کشور می‌بینید که به شکل طبیعی تعداد فیلم‌های لازم برای برگزاری جشنواره تولید نشده، به افرادی سفارش ساخت فیلم می‌دهد، این عمل خارج از حیات طبیعی سینماست و همه را گمراه می‌کند. مثلا در طول سال می‌بینیم که کودکان و نوجوانان سهم عناسی از بلیت‌های سینما ندارند.

**● فکر می‌کنم روزهایی پیش از اندازه به موضوع فیلم‌ها به دلیل برگزاری جشنواره هم بعضی موضوع است.**

به مورد زیادی به‌عنوان شاهد مثال این عدم انعکاس حیات طبیعی سینما در جشنواره می‌شود و گاه می‌بینیم برخی فیلم‌های ضعیف فقط به دلیل مضمون‌شان در جشنواره حضور داشته و شان جشنواره را مخدوش می‌کنند و غالبا هم برای آنها اتفاقی در داوری و جایز نمی‌افتد و اگر جایزه‌ای بگیرند، هم به نفع فیلم نمی‌شود. از آن سو به دلیل محدودیت اجباری تعداد فیلم‌ها، فیلم‌هایی با استانداردهای بالاتر حتم‌ا بسیار کنار می‌کنند. تبدیل جشنواره فیلم فجر به جشنواره فیلم‌های موضوعی کار سخت و پیچیده‌ای نیست. برخی جرائی و کروه‌های سیاسی هم گاهی از جشنواره فجر به دلیل هجرمانی‌اش با دهه فجر چنین مطالباتی داشته و دارند. در حاشیه فیلم‌ها سینما همه‌سالیه حدود ۱۰ درصد از فیلم‌ها دارای این‌گونه موضوعات هستند که پرواله ساخت می‌گیرند و تولید می‌شوند. که امر شایسته و لازمی هم هست. کافی است برای پاسخ‌گویی به آن انتظارات بیرون سینما، یک سال ما این سهم را دو، سه برابر شارز کنیم و مقداری بیش هم از خارج از سینما شارز کنیم و با خطّ موضوعات و فیلم‌های دیگر، جشنواره فجر را خودخوبه‌خود به جشنواره موضوعی تبدیل می‌کنیم و در نتیجه جشنواره‌های موضوعی‌مان مثل داغ مقدس و مقاومت را هم از موضوعیت می‌اندازیم. درحالی‌که جشنواره فیلم فجر یک جشنواره ملی است، نه یک جشنواره موضوعی و یکی از ویژگی‌های جشنواره فجر همین تنوع موضوعی و تولیدکنندگان با نگاه‌های مختلف در چارچوب قواعد سینمای کشور است که اهمیت پیدا می‌کند. اتفاقا غلط این‌گونه سیاست‌ها و این نوع انتخاب‌ها کروه‌های مطالبه‌گر را هم به دلیل ضعف فیلم‌ها و نیز نگاه سازندگان فیلم‌ها، راضی نمی‌کند و به برخی از این وجوه برای خوشامد این و آن زیاده‌روی نشود؛ چراکه جشنواره به لطف دچار می‌شود و به دلیل همین، در مشارکت افشار گوناگون و از خود دانستن جشنواره تأثیر منفی بگذارد.

**● یعنی حقیقت آنچه در جشنواره می‌بینیم و اتفاق می‌افتد، بازتابی است از آنچه در طول سال اتفاق می‌افتد؟ اینکه امسال گمتر شاهد حضور آثار بخش جشنواره در جشنواره بودیم ناشی از همین عملکرد است؟**

بله کاملا همین‌طور است. این عدم مشارکت را وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بعد از جشنواره سال قبل با اعلام اینکه ما سال آینده در ۲۰ فیلم با موضوعات ارزشی سرمایه‌گذاری می‌کنیم و ساخته خواهند شد، کلید زد.

**● شاید مطلوب ایشان توجیه مشکلات و انتقادهایی بود که به برخی آثار جشنواره چهلم وارد می‌شد.**

اما طبیعی است اولین واکنش سرمایه‌گذاران و تهیه‌کنندگان به چنین ورودی از وزیر، لطف‌آن هم پس از سال‌های متمادی که مدیریت‌ها به دنبال تشویق بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در سینما هستند، این است که ترمز می‌کنند تا ببینند چه اتفاقی خواهد افتاد. سرمایه‌گذار محتاط است و حاضر نیست در چنین میدان رقابتی‌ای وارد شود. رقابتی که از قبل منسخ است یا به شکست منجر می‌شود یا به شکست بخش خصوصی و در هر دو صورت نابودی سرمایه و اعتماد را به دنبال دارد. بعد از سال‌ها که مدیران دولت تلاش کردند نسبت سرمایه‌گذاری رسمی دولت از حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد حفظ کنند، یکباره این نسبت معکوس می‌شود و در نتیجه در جشنواره ساخته نتیجه این سیاست یا عملکردمان در جشنواره فیلم‌ها غالبا دولتی و یا بودجه‌های عمومی ساخته می‌شوند و شاهد تبعات منفی‌اش هم شامل می‌شود و گاه می‌بینیم برخی فیلم‌های ضعیف فقط به دلیل مضمون‌شان در جشنواره حضور داشته و شان جشنواره را مخدوش می‌کنند و غالبا هم برای آنها اتفاقی در داوری و جایز نمی‌افتد و اگر جایزه‌ای بگیرند، هم به نفع فیلم نمی‌شود. از آن سو به دلیل محدودیت اجباری تعداد فیلم‌ها، فیلم‌هایی با استانداردهای بالاتر حتم‌ا بسیار کنار می‌کنند. تبدیل جشنواره فیلم فجر به جشنواره فیلم‌های موضوعی کار سخت و پیچیده‌ای نیست. برخی جرائی و کروه‌های سیاسی هم گاهی از جشنواره فجر به دلیل هجرمانی‌اش با دهه فجر چنین مطالباتی داشته و دارند. در حاشیه فیلم‌ها سینما همه‌سالیه حدود ۱۰ درصد از فیلم‌ها دارای این‌گونه موضوعات هستند که پرواله ساخت می‌گیرند و تولید می‌شوند. که امر شایسته و لازمی هم هست. کافی است برای پاسخ‌گویی به آن انتظارات بیرون سینما، یک سال ما این سهم را دو، سه برابر شارز کنیم و مقداری بیش هم از خارج از سینما شارز کنیم و با خطّ موضوعات و فیلم‌های دیگر، جشنواره فجر را خودخوبه‌خود به جشنواره موضوعی تبدیل می‌کنیم و در نتیجه جشنواره‌های موضوعی‌مان مثل داغ مقدس و مقاومت را هم از موضوعیت می‌اندازیم. درحالی‌که جشنواره فیلم فجر یک جشنواره ملی است، نه یک جشنواره موضوعی و یکی از ویژگی‌های جشنواره فجر همین تنوع موضوعی و تولیدکنندگان با نگاه‌های مختلف در چارچوب قواعد سینمای کشور است که اهمیت پیدا می‌کند. اتفاقا غلط این‌گونه سیاست‌ها و این نوع انتخاب‌ها کروه‌های مطالبه‌گر را هم به دلیل ضعف فیلم‌ها و نیز نگاه سازندگان فیلم‌ها، راضی نمی‌کند و به برخی از این وجوه برای خوشامد این و آن زیاده‌روی نشود؛ چراکه جشنواره به لطف دچار می‌شود و به دلیل همین، در مشارکت افشار گوناگون و از خود دانستن جشنواره تأثیر منفی بگذارد.

و رابطه یک‌طرفه بین رای مردم و فیلم‌ها محدوش شد. چه به دلیل بی‌اخلاقی فیلم‌ساز و چه به دلیل بی‌سامانی و بی‌دقتی در رای‌گیری یا مثلا وزن‌دهی غیرضروری‌ای که اسمال به برخی فیلم‌ها داده شد یا هر توجیه دیگری و منجر به جدا شدن رای مردم شد. هم به رابطه با صوف که پرگرانبنده آرای مردمی صمنت لطمه زده‌ایم و هم به مردم.

عدم مشارکت همه سلایق، نگرش‌ها و فعالان سینما و دست‌اندرکاران فیلم‌ها که اسمال به دلایل گوناگون شاهد آن بودیم نیز اعتبار جشنواره را مخدوش می‌کند و خودش موجب بی‌میلی و بی‌توجهی در مشارکت نسبت به کلیه مسائل سینما می‌شود.

**● برای ایجاد این تعادل چه باید کرد؟**

دیدگاه حاکم در نحوه برگزاری مهم است. یک دیدگاه این است که شما حضور آنها را دولت بدانی و چون دولت هستیم، بی‌توجه به نظر ذی‌نفعان برگزار می‌کنیم و اگر اینجا بهره، بدون اینکه خود را موظف بدانیم دیگران را قانع یا متقاعد کنیم. یک دیدگاه دیگر این است که چون دولت برآمده از اراده ملت است، پس به نیابت از جامعه فعال و ذی‌نفعان، باید به همه تعرفات در منافع. جشنواره را برگزار کنیم و عملکردمان براند اراده و تمایل عمومی و متکی به مشارکت و همکاری با دست‌اندرکاران است و باید برای همگان متقاعدکننده باشد و همگان را نیز اقناع کنیم. اینها دو رویکرد متفاوت در برگزاری است. «دولت» اصحدرنظر درویش و «مردم» بدری، زنده‌یاد رسول ملاقلی‌پور را به‌عنوان بخش بین‌الملل معرفی کردم؛ درحالی‌که بیشینه فیلم‌هایی که در بخش بین‌الملل معرفی می‌شدند، فیلم‌هایی مبنی‌مال و بعدی این اقدام خواهیم بود. یعنی برای حل یک مشکل، روشی درست تعریف نشود و بی‌تفاوت به نگاه، تمایل، اراده، رای و نظر دست‌اندرکاران جشنواره را برگزار کنیم؛ رویکرد به قرار است سال تحویل نسبت باشد. به اصطکاک و تعارض تبدیل می‌شود و همنشینی‌ای که باید در دوران تعارض اتفاق بیفتد، به عدم مشارکت تبدیل می‌شود و این دوران به تلخی سپری می‌شود.

**● نکته‌ای که در جشنواره چهل‌ویکم توجه بسیاری را جلب کرد و حاشیه‌ساز شد. اغاز دوباره بخش ملی و بین‌الملل جشنواره پس از چند سال جدایی این دو بخش بود. شما نسبت برگزاری جشنواره فیلم فجر را داشتید و به محض جدایی این دو رویداد، دبیری بخش بین‌الملل را در سال اول عهده‌دار شدید. با توجه به حواشی این دوره از جشنواره، دیدگاه شما بر اساس تجربه سالیان نسبت به برگزاری بخش بین‌الملل جشنواره چیست؟**

سابقه تاریخی جشنواره فیلم فجر از دوره‌های اول برگزاری این رویداد این است که از اولین دوره‌ها بخش بین‌الملل داشتیم و تعدادی فیلم غیرایرانی به نمایش گذاشته می‌شد و عناوینی هم داشت؛ مثل جشنواره جشنواره‌ها؛ تا دوره‌ای هم بخش بین‌الملل رقابتی نبود. تحلیل میزبان سینما و برگزارکنندگان آن دوره‌ها هم این بود که ما باید از فیلمت جشنواره برای نمایش آثار ارزشمند سینمای جهان برای مخاطبان علاقه‌مندی که در طول سال در سینماها امکان دسترسی به آن را با توجه به محدودیت‌های فیلم خارجی نداریم، استفاده کنیم. این نمایش‌ها می‌توانند تصوری از رقابتِ دست‌اندرکاران سینما نیز ایجاد کند تا به حدی از ارتقا در صنعت سینما و در تولید فیلم برسیم که سینمای ایران قابل رقابت با سینمای دنیا باشد. به مرور هم توفیقات زیادی در این زمینه کسب شد و نیز سینمای ایران در دنیا به عنوان یک زبان درخور توجه و دارای مؤلفه‌های مخصوص‌خود و مخصوص به خودش مورد توجه جامعه جهانی قرار گرفت. حتی این طرف نیز نشان داد ما می‌توانیم با نگاریزیم در حوزه رقابت با سینمای دنیا قرار بگیریم. می‌دانستیم که سینمای ایران هم می‌تواند و باید در مرزهای خودمان محدود بماند و اگر قرار باشد ما توفیقاتی به دست بیاوریم، حتما باید زبان سینمای ایران به زبان و فهم دنیا نزدیک شود. این رقابت هم وجوه گوناگونی داشت. یکی از وجوه این رقابت، مسئله نو بود؛ موضوعاتی اخلاقی و انسانی که وجه غالب آثار سینمای ایران از تشکیل می‌شد. یا شیوه روایت و سینمای شاعرانه که بخشی از سینمای بومی ما در آن جاری‌وجاری قابل تعریف بود و سینمای ایران به یک استاندارد و جذابیت‌هایی در ایسی حوزه رسیده بود. یکی از وجوه دیگر این سبز بود که رقابت می‌توانست باعث ارتقای صنعت سینمای ایران شود. وقتی فیلم‌ساز ایرانی در رقابت با فیلم‌ساز غیرایرانی قرار می‌گرفت، فیلم‌ساز خارجی‌ای داوی توانمندی‌هایی بود و پتنسیل‌هایی که وجوه صنعتی سینما می‌شد که ما فاقد آنها بودیم و در برخی زمینه‌ها صنعت دفاشتیم. به مرور در صنعت سینمای ما هم تحولاتی اتفاق افتاد؛ مثلا صدای سر صحنه نسبت به دوبله اولویت پیدا کرد. درحالی‌که ما تاریخ درخشانی در دوبله داریم که یکی از جذابیت‌های فیلم‌های خارجی، دوبله آن بود، اما باید با استانداردهای سینمای دنیا هماهنگ می‌شدیم. به مرور طراحی صحنه، طراحی گریم و... شد.

این ارتقای وجوه خوبی و فنی و بلوغ شیوه‌های روایت و فاعلگیری‌های فیلم‌ها، سینمای ایران را شایان توجه و به‌عنوان سینمایی متفاوت و بااوزش قابل رقابت کرد؛ تا جایی که ما در برخی از وجوه سینمای ایران به دستاوردهای مهمی هم رسیدیم.

در یکی از دوره‌های جشنواره فیلم فجر من «مهمی» اصحدرنظر درویش و «مزرعه بدری» زنده‌یاد رسول ملاقلی‌پور را به‌عنوان بخش بین‌الملل معرفی کردم؛ درحالی‌که بیشینه فیلم‌هایی که در بخش بین‌الملل معرفی می‌شدند، فیلم‌هایی مبنی‌مال و بعدی این اقدام خواهیم بود. یعنی برای حل یک مشکل، روشی درست تعریف نشود و بی‌تفاوت به نگاه، تمایل، اراده، رای و نظر دست‌اندرکاران جشنواره را برگزار کنیم؛ رویکرد به قرار است سال تحویل نسبت باشد. به اصطکاک و تعارض تبدیل می‌شود و همنشینی‌ای که باید در دوران تعارض اتفاق بیفتد، به عدم مشارکت تبدیل می‌شود و این دوران به تلخی سپری می‌شود.

**● نکته‌ای که در جشنواره چهل‌ویکم توجه بسیاری را جلب کرد و حاشیه‌ساز شد. اغاز دوباره بخش ملی و بین‌الملل جشنواره پس از چند سال جدایی این دو بخش بود. شما نسبت برگزاری جشنواره فیلم فجر را داشتید و به محض جدایی این دو رویداد، دبیری بخش بین‌الملل را در سال اول عهده‌دار شدید. با توجه به حواشی این دوره از جشنواره، دیدگاه شما بر اساس تجربه سالیان نسبت به برگزاری بخش بین‌الملل جشنواره چیست؟**

سابقه تاریخی جشنواره فیلم فجر از دوره‌های اول برگزاری این رویداد این است که از اولین دوره‌ها بخش بین‌الملل داشتیم و تعدادی فیلم غیرایرانی به نمایش گذاشته می‌شد و عناوینی هم داشت؛ مثل جشنواره جشنواره‌ها؛ تا دوره‌ای هم بخش بین‌الملل رقابتی نبود. تحلیل میزبان سینما و برگزارکنندگان آن دوره‌ها هم این بود که ما باید از فیلمت جشنواره برای نمایش آثار ارزشمند سینمای جهان برای مخاطبان علاقه‌مندی که در طول سال در سینماها امکان دسترسی به آن را با توجه به محدودیت‌های فیلم خارجی نداریم، استفاده کنیم. این نمایش‌ها می‌توانند تصوری از رقابتِ دست‌اندرکاران سینما نیز ایجاد کند تا به حدی از ارتقا در صنعت سینما و در تولید فیلم برسیم که سینمای ایران قابل رقابت با سینمای دنیا باشد. به مرور هم توفیقات زیادی در این زمینه کسب شد و نیز سینمای ایران در دنیا به عنوان یک زبان درخور توجه و دارای مؤلفه‌های مخصوص‌خود و مخصوص به خودش مورد توجه جامعه جهانی قرار گرفت. حتی این طرف نیز نشان داد ما می‌توانیم با نگاریزیم در حوزه رقابت با سینمای دنیا قرار بگیریم. می‌دانستیم که سینمای ایران هم می‌تواند و باید در مرزهای خودمان محدود بماند و اگر قرار باشد ما توفیقاتی به دست بیاوریم، حتما باید زبان سینمای ایران به زبان و فهم دنیا نزدیک شود. این رقابت هم وجوه گوناگونی داشت. یکی از وجوه این رقابت، مسئله نو بود؛ موضوعاتی اخلاقی و انسانی که وجه غالب آثار سینمای ایران از تشکیل می‌شد. یا شیوه روایت و سینمای شاعرانه که بخشی از سینمای بومی ما در آن جاری‌وجاری قابل تعریف بود و سینمای ایران به یک استاندارد و جذابیت‌هایی در ایسی حوزه رسیده بود. یکی از وجوه دیگر این سبز بود که رقابت می‌توانست باعث ارتقای صنعت سینمای ایران شود. وقتی فیلم‌ساز ایرانی در رقابت با فیلم‌ساز غیرایرانی قرار می‌گرفت، فیلم‌ساز خارجی‌ای داوی توانمندی‌هایی بود و پتنسیل‌هایی که وجوه صنعتی سینما می‌شد که ما فاقد آنها بودیم و در برخی زمینه‌ها صنعت دفاشتیم. به مرور در صنعت سینمای ما هم تحولاتی اتفاق افتاد؛ مثلا صدای سر صحنه نسبت به دوبله اولویت پیدا کرد. درحالی‌که ما تاریخ درخشانی در دوبله داریم که یکی از جذابیت‌های فیلم‌های خارجی، دوبله آن بود، اما باید با استانداردهای سینمای دنیا هماهنگ می‌شدیم. به مرور طراحی صحنه، طراحی گریم و... شد.

این ارتقای وجوه خوبی و فنی و بلوغ شیوه‌های روایت و فاعلگیری‌های فیلم‌ها، سینمای ایران را شایان توجه و به‌عنوان سینمایی متفاوت و بااوزش قابل رقابت کرد؛ تا جایی که ما در برخی از وجوه سینمای ایران به دستاوردهای مهمی هم رسیدیم.

در یکی از دوره‌های جشنواره فیلم فجر من «مهمی» اصحدرنظر درویش و «مزرعه بدری» زنده‌یاد رسول ملاقلی‌پور را به‌عنوان بخش بین‌الملل معرفی کردم؛ درحالی‌که بیشینه فیلم‌هایی که در بخش بین‌الملل معرفی می‌شدند، فیلم‌هایی مبنی‌مال و بعدی این اقدام خواهیم بود. یعنی برای حل یک مشکل، روشی درست تعریف نشود و بی‌تفاوت به نگاه، تمایل، اراده، رای و نظر دست‌اندرکاران جشنواره را برگزار کنیم؛ رویکرد به قرار است سال تحویل نسبت باشد. به اصطکاک و تعارض تبدیل می‌شود و همنشینی‌ای که باید در دوران تعارض اتفاق بیفتد، به عدم مشارکت تبدیل می‌شود و این دوران به تلخی سپری می‌شود.

**● داوری چطور؟**

یک‌سنتی نگاه و رویکرد داوران هم از این موارد است. در نگاه یک‌سنت، خودبه‌خود برخی فیلم‌ها بیشتر دیده می‌شوند و برخی کمتر و بین داوری متنفدان و مردم با آرای داوران فاصله می‌افتد و این فاصله ناشی از نگاه تخصصی داوران نیست، بلکه ناشی از نگرش یک‌سنت و سلیقه وجه داوران است. این داوری می‌تواند اعتبار رقابت و داوری و جایزه و جشنواره را مخدوش کند و انگیزه را برای مشارکت در آثار خود و جشنواره کاهش دهد. از سوی دیر برخی فیلم‌سازان انتظار نوع بینش از معمول ایجاد کند که در برخی دوره‌ها شاهد بازتاب‌هایی از این دست بودیم.

**● شما بین اهمیت فیلم و جشنواره تفکیک قائل شدید. اهمیت فیلم‌ها چگونه می‌تواند به اهمیت جشنواره لطمه بزند؟**

با توجه به آن وجوهی که برشمردم، اگر بین اهمیت فیلم‌ها و سینما تعادلی ایجاد نکنیم عملا به فیلم‌ها هم خدمت نکرده‌ایم.

در سال‌های اخیر که نقش اقتصادی جشنواره در اکران بیشتر و بخش مالی جایزه‌ها هم چشمگیرتر شده و به‌خصوص درآمدها هم کاهش پیدا کرده، افزایش اهمیت فیلم‌ها مهم‌تر شده که حتی گاهی غیراخلاقی‌ای مثلا دربارهٔ رکورد بلیت عرضه می‌شود. اینها

از سویی بی‌دقتی در رای‌گیری برای فیلم‌ها و حدف بلیت عرضه مردمی به دلیل گوناگون هم می‌تواند اعتبار جشنواره را نزد مردم مخدوش کند و اعتبار مردمی جشنواره را به مخاطره بیندازد.

و رابطه یک‌سویه بین رای مردم و فیلم‌ها مخدوش شد. چه به دلیل بی‌اخلاقی فیلم‌ساز و چه به دلیل بی‌سامانی و بی‌دقتی در رای‌گیری یا مثلا وزن‌دهی غیرضروری‌ای که اسمال به برخی فیلم‌ها داده شد یا هر توجیه دیگری و منجر به جدا شدن رای مردم شد. هم به رابطه با صوف که پرگرانبنده آرای مردمی صمنت لطمه زده‌ایم و هم به مردم.

عدم مشارکت همه سلایق، نگرش‌ها و فعالان سینما و دست‌اندرکاران فیلم‌ها که اسمال به دلایل گوناگون شاهد آن بودیم نیز اعتبار جشنواره را مخدوش می‌کند و خودش موجب بی‌میلی و بی‌توجهی در مشارکت نسبت به کلیه مسائل سینما می‌شود.

**● برای ایجاد این تعادل چه باید کرد؟**

دیدگاه حاکم در نحوه برگزاری مهم است. یک دیدگاه این است که شما حضور آنها را دولت بدانی و چون دولت هستیم، بی‌توجه به نظر ذی‌نفعان برگزار می‌کنیم و اگر اینجا بهره، بدون اینکه خود را موظف بدانیم دیگران را قانع یا متقاعد کنیم. یک دیدگاه دیگر این است که چون دولت برآمده از اراده ملت است، پس به نیابت از جامعه فعال و ذی‌نفعان، باید به همه تعرفات در منافع. جشنواره را برگزار کنیم و عملکردمان براند اراده و تمایل عمومی و متکی به مشارکت و همکاری با دست‌اندرکاران است و باید برای همگان متقاعدکننده باشد و همگان را نیز اقناع کنیم. اینها دو رویکرد متفاوت در برگزاری است. «دولت» اصحدرنظر درویش و «مردم» بدری، زنده‌یاد رسول ملاقلی‌پور را به‌عنوان بخش بین‌الملل معرفی کردم؛ درحالی‌که بیشینه فیلم‌هایی

آغاز و پایان سینما جشنواره نیست. سینما ادامه دارد و باید پذیرفت همواره سینما از فیلم و جشنواره مهم‌تر است. نباید تصور کنیم که خوب الحمدلله جشنواره برگزار شد و تمام شد و خلاص شدیم. مدیران به‌خوبی واقف‌اند که کار مدیریت پس از جشنواره تازه آغاز می‌شود. به نظرم باید به‌سرعت این ارزیابی اتفاق بیفتد و مشکلات و مسائل مختلف مثل سرمایه‌گذاری که از طرف دولت انجام شد و کاهش سرمایه‌گذاری یا کاهش سهم بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری فیلم‌ها، در جایزه مردمی و همه مسائلی که مربوط به برگزاری جشنواره است، آسیب‌شناسی شود تا برای اکران سال آینده و دوره‌های آتی دستاورد خوبی داشته باشیم. این کالبدشکافی نباید فقط از ناحیه برگزارکنندگان باشد؛ بلکه با مشارکت همه ذی‌نفعان و به‌ویژه دست‌اندرکاران انجام شود.

در رقابت با فیلم‌سازان بزرگ اروپایی در جشنواره‌های مختلف دنیا، فیلم ایرانی و فیلم‌هایی از کشورهای دیگر جایزه می‌گرفتند. بدون اینکه بحث مسائل سیاسی را در جشنواره نادیده بگیریم یا وزن آن را خیلی بزرگ کنیم. وقتی فیلم فرهادی یا مجیدی یا فیلم‌سازانی از کشورهای آسیایی و آفریقایی در جشنواره‌ای وارد می‌شود و جایزه می‌گیرد مشخص است که به لحاظ وجوه هنری توانمندی دارد و می‌درخشد و نگاهشان جهانی و قابل رقابت است. فیلم‌های نسل جدید و جوان سینمای ایران به شدت دارای این ظرفیت هستند.

پس سینمای ایران به ظرفیتی از توانمندی رسیده بود که هم می‌توانست با بخش مهمی از سینمای دنیا رقابت کند. هم در منطقه می‌تواند با بخش مهمی از سینمای هند و چین رقابت کند. سینمای ایران می‌تواند با دوسوم فیلم‌های دنیا رقابت کند و این قابلیت ایجادشده در سینمای ایران می‌تواند این اعتبار را به او بدهد که جشنواره‌اش کانون توجه دیگران واقع شود. در بحث هم‌جواربودن با سینمای برخی از کشورها این کراره مطرح شد که سینمای کشورهای منطقه برای ما اهمیت دارد و رشد سینمای کشورهای منطقه با توجه به وجوه مشترک فرهنگی می‌تواند به رهایی از سینمای هالیوود در جهان کمک کند و سینمای ایران و جشنواره جهانی برای این کشورها مهم بود. کشورهایی که علاقه‌مند بودند سینما داشته باشند و در طول یک سال گاهی یکی، دو فیلم تولید می‌کردند؛ اما هنوز سینما به مفهوم واقعی کلمه نداشتند. کشورهای هم‌جوار می‌توانند ظرفیتی ایجاد کنند که به‌اصطلاح جموعه‌وجد بود که متافسانه دوباره جدیدا دچار دگرگونی شد. بخش بین‌الملل از ابتدا قطعه تعدادی فیلم تبدیل‌نام شده بود تا ما آنها را از بین دو داوران بخش بین‌الملل جدا کنیم و رقابتی ایجاد کنیم و جایزه‌ای بدهیم فرارت وقت و زمینه‌سازی برای گسترش سینمای ایران و تعامل جدی ایجاد کند. تعاملی که می‌توانست در تلاش‌های فعالان بین‌الملل سینمای ایران ادامه پیدا کند. گرچه هنوز در ابتدای راه بود و حرفه‌ای به بار حرفه‌ای بودیم. جشنواره فیلم فجر در بخش